

تحلیل فقهی حقوق کارگر در جامعه اسلامی با رویکردی بر آرای امام خمینی (ره)

علی محمدیان *

محمدحسن حائری **

پذیرش نهایی: ۹۳/۴/۱۷

دریافت مقاله: ۹۲/۸/۱۱

چکیده

حقوق کارگر و مباحث مربوط به آن از جمله اموری است که در نگاه اول به نظر می‌رسد برای نخستین بار در حقوق غرب مطرح شده است و در متون اسلامی و فقهی سابقه چندانی ندارد؛ لیکن مطالعه و تأمل در منابع اسلامی نشان می‌دهد که قرن‌ها پیش از به وجود آمدن مفهوم حقوق کار در غرب، اسلام با مطرح کردن حقوق بنیادین برای کارگر برای این قشر چنان منزلتی عظیم قائل شده است که در هیچ‌یک از مکاتب بشری مشاهده نمی‌شود. این جستار با هدف اثبات این مدعا و بررسی گونه‌های حقوق کارگر در فقه امامیه، همچنین تبیین آرای ممتاز امام خمینی (ره) در این زمینه نگاشته شده است. بررسی دیدگاه‌های ایشان در مورد شأن و حقوق کارگر بویژه به این دلیل که به عنوان اسلام‌شناس و فقیهی حاذق، عملاً رهبری جامعه اسلامی را بر عهده داشتند در شناخت رویکرد حکومت اسلامی به حقوق کارگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

کلید واژه‌ها: کار و کارگر در اسلام، فقه و قانون کار، حقوق کارگر و فقه اسلامی.

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

alimohamadian64@gmail.com

haeri-m@ferdowsi.um.ac.ir

** استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

بیان مسئله

یکی از اساسی‌ترین بنیانهای اجتماعی و اقتصادی هر جامعه کارگران هستند. کار کارگر به گردش چرخهای توسعه ملت کمک شایانی می‌کند و هرگاه درباره علت‌های ترقی و انحطاط ملتها مطالعه و بررسی کنیم، درخواهیم یافت که کار کارگران در پیشرفت و عمران کشورها تأثیر بسزایی ایفا می‌کند. حقوق کار (Labour Law) یکی از رشته‌های مهم حقوق در تمام دانشگاه‌های معتبر جهان به شمار می‌رود و در قانون کار همه کشورهای متمدن، تمهیداتی برای حمایت از کارگر اندیشیده شده است.

هدف قانون کار، صیانت از کار و حقوق کارگر، رونق تولید و جلوگیری از بیکاری است. کارگر از نظر قانون کار، کسی است که به هر عنوان در مقابل دریافت حق السعی (اعم از مزد، حقوق، سهم، سود و سایر مزایا) به درخواست کارفرما کار می‌کند (ن.ک: ماده ۲ قانون کار)؛ شایان ذکر است برخی از حقوقدانان بر این تعریف از کارگر ایراداتی وارد کرده اند که در اینجا مجال بحث در مورد آن نیست. (ر.ک: عراقی، ۱۳۸۷: ۱۲۴ و ۱۲۳).

گرچه بعید به نظر می‌رسد که در طول تاریخ بشر، هیچ مکتب و آیینی که ریشه الهی داشته یا بر پایه فکری سلیم تشکیل شده باشد به نوعی تشویق به کار و کوشش نکرده، و یا از بیکاری و تن‌پروری تمجید کرده باشد. با اندکی تأمل و تعمق در تشویق و ترغیبهایی که اسلام نسبت به کوشش و کار به عمل آورده و ستایشهایی که از آن نموده است و همچنین انتقادهای و حتی مبارزاتی که علیه بیکاری و تن‌پروری در متون اسلامی دیده می‌شود، این واقعیت اثبات می‌شود که ارزش و تقدس کار و کوشش در هیچ مکتب و آیینی به پایه مکتب توحیدی اسلام نمی‌رسد.

شایان ذکر است که در حقوق امروز ریشه‌های پیدایش حقوق کارگر به مکاتب غربی نسبت داده شده است و چنین وانمود می‌شود که برای اول بار این حقوق توسط متفکران غربی مطرح شده است. این نوشتار با عدم التزام به ادعای یاد شده درصدد اثبات این است که دین مرقی اسلام قرن‌ها پیش از به وجود آمدن مفهوم حقوق کار در غرب با شناخت ارزش و اهمیت این امر، حقوق کار و کارگر را به رسمیت شناخته است. البته برخلاف دیدگاه مادی در غرب، که کارگر را فقط ابزار می‌داند، اسلام کارگر را مجاهد فی سبیل الله می‌داند و برای کار و تلاش او علاوه بر ارزش مادی، پاداش الهی نیز قائل است. از آنجا که شکوفایی اقتصاد از اهداف مهم اسلام به شمار می‌رود

و نیروی کار، یکی از ارکان اصلی تولید است در دین اسلام به کارفرمایان و صاحبان کار درباره حفظ و رعایت حقوق کارگران سفارش فراوانی شده است. کارگر در دیدگاه اسلام بسیار محترم و ارزشمند است به طوری که رسول گرامی اسلام و امامان معصوم (علیهم السلام) از کار و کارگر تجلیل کرده و خود نیز کار می کرده‌اند (ن.ک: حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۶۲؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۸۶؛ صدوق قمی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۱۵۶).

اهمیت و ضرورت تحقیق

از آنجا که تلقی رایج در مباحث مربوط به حقوق کار، غربی بودن این پدیده است و به زعم عده‌ای اصولاً نمی‌توان ریشه حقوق کار را در قوانین و متون اسلامی و دینی سراغ گرفت، ضرورت تتبع و استقصایی همه‌جانبه درباره ریشه‌ها و دلایل حقوق کار در منابع و متون شرعی و فقهی از اهمیتی دوچندان برخوردار است.

سؤالات تحقیق

نوشتار فرارو در پی یافتن پاسخی مستدل برای یک پرسش اساسی است که به تبع آن، دو سؤال فرعی مهم نیز رخ می‌نماید:

الف) سؤال اصلی

آیا مطابق دیدگاه مرسوم باید ریشه‌های حقوق کار را در فرهنگ مغرب زمین جستجو کرد یا در منابع و دلایل اسلامی و فقهی نیز می‌توان مستندات برای حقوق کار در مکتب اسلام و تعیین مزایایی برای کارگران در فقه امامیه ارائه کرد؟

ب) سؤالات فرعی

۱- در فرض وجود پیشینه برای حقوق کارگر در متون دینی، گونه‌ها و انواع حقوق کارگر در منابع اسلامی و فقه امامیه کدام است؟

۲- با توجه به رهبری جامعه اسلامی توسط حضرت امام و با التفات به اهمیت دیدگاه‌های ایشان در شناخت رویکرد حکومت اسلامی به حقوق کارگر، آیا ایشان نیز با به رسمیت شناختن حقوق کارگر، تمهیداتی برای احقاق حقوق آنان در نظر گرفته بودند؟

روش تحقیق

روش تحقیق در نگارش این مقاله توصیفی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای است که همراه با شناسایی منابع و مأخذ معتبر فقهی و روایی، مطالعه و بررسی آنها، تطبیق و فیش برداری، طبقه‌بندی و رتبه‌بندی منابع و سپس نگارش مطالب است هم‌چنین در تدوین داده‌های این تحقیق از تجهیزات و نرم افزارهای الکترونیکی بویژه نرم افزار جامع فقه اهل بیت نسخه ۲ (متعلق به مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی) بسیار استفاده شده است.

در ابتدای بحث لازم است ارزشمند بودن کار و درجه اهمیت و تأثیر عمل کارگر از جهات مادی و معنوی با تکیه بر دو رکن ثقیل اسلامی یعنی کتاب و سنت اثبات شود تا تبیین صحیحی از موقعیت کار و کارگر در مکتب مرفعی اسلام ارائه گردد.

اهمیت کار و شأن کارگر در اسلام

همانطور که گفته شد، اسلام در ضمن قوانین و دستورالعملهایی که برای تأمین و برقراری تعادل همه جانبه در زندگی مردم آورده برای کار و کوشش نیز اهمیت فراوانی قائل شده است. اسلام هیچ‌گاه مانند بعضی از مذاهب تحریف شده مردم را به تن‌پروری و بیکاری و خانه‌به‌دوشی وادار نکرده؛ بلکه معتقد است که باید هر فردی در زندگی کمر همت ببندد و شروع به کار و فعالیت کند در اینجا با شواهدی از آیات و روایات این مطلب اثبات خواهد شد.

۱ - آیات قرآن کریم

در قرآن کریم آیات زیادی هست که انسانها را به کار و عمل تشویق، و به آنها توصیه می‌کند که برای کسب روزی حلال به کار پردازند. در اینجا به دو نمونه از این آیات اشاره می‌شود:

الف) آیه ۱۰ سوره جمعه: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»: هنگامی که نماز پایان گرفت در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا روزی بطلبید و خدا را بسیار یاد کنید؛ شاید رستگار شوید.

از این آیه استفاده می‌شود که در پی رزق و روزی رفتن و از فضل خدا روزی طلبیدن از جمله کارهایی است که موجب رضایت پروردگار می‌شود. شخصی که در جهت امرار معاش خود و خانواده‌اش گام بر می‌دارد، علاوه بر نفع مادی، رضایت خداوند را نیز به دست می‌آورد.

ب) آیه ۳۹ سوره نجم: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»: برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست.

یکی از مصداقهای «سعی»، که در آیه مبارکه بدان اشاره شده، کار و کوشش مادی است. خداوند با ذکر جمله «لیس للانسان الا ما سعی» مزیت اشخاص را بر اساس کار و درجه فعالیت آنها استوار نموده و با همین عبارت کوتاه ارزش و موقعیت کار در اسلام را روشن ساخته است. در تفسیر نمونه آمده است: «مختصر آشنایی به قرآن و احادیث اسلامی برای پی بردن به این حقیقت کافی است که اسلام پایه هرگونه بهره‌گیری مادی و معنوی انسان را سعی و کوشش و تلاش می‌شمرد تا آنجا که در جمله شعارگونه قرآنی «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»، بهره انسان را منحصر در کوشش و کارش قرار می‌دهد. پیشوایان اسلامی برای اینکه سر مشقی به دیگران بدهند در بسیاری از مواقع کار می‌کردند، کارهایی سخت و توانفرسا. پیامبران پیشین نیز از این قانون مستثنی نبودند؛ از چوپانی گرفته تا خیاطی و زره‌بافی و کشاورزی. اگر مفهوم تضمین روزی از طرف خدا، نشستن در خانه و انتظار رسیدن روزی باشد، نباید پیامبران و امامان که از همه آشناتر به مفاهیم دینی هستند این همه برای روزی تلاش کنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۲۱).

۲ - روایات

روش پیشوایان اسلام بهترین سرمشق و دستورالعمل برای پیروان آنها است. وقتی به سیره پیامبر اسلام و امامان معصوم (علیهم السلام) رجوع می‌کنیم در می‌یابیم که آنان با اینکه سرتاسر حیاتشان با مبارزه و شکنجه آمیخته بود در عین حال کار و داشتن حرفه‌های مخصوص در زندگی آنها جلب توجه می‌کند. اسلام با بیکاری و تن‌پروری شدیداً مبارزه می‌کند و آن را علت بسیاری از مفاسد و بدبختی‌ها می‌داند. رهبران اسلام از دو راه با این فاجعه خطرناک مبارزه کرده‌اند: اول اینکه خود با جدیت و علاقه بسیار و در شدیدترین حالتها کار می‌کرده‌اند تا بدین وسیله به مردم پیاموند که کار کردن نه تنها ننگ و عار به شمار نمی‌رود؛ بلکه برای انسان از بزرگترین افتخارات است. ثانیاً در سخنان و پیامهای خویش از کار و کوشش تمجید فراوان کرده‌اند. در اینجا به پاره‌ای از این روایات اشاره می‌شود:

۱- در روایتی از امیرالمؤمنین علی (ع) وارد شده است که خداوند به حضرت داود (ع) وحی نمود: «ای داود تو بنده خوبی هستی، اگر از بیت المال ارتزاق نمی‌کردی و برای اداره زندگی به کار و کوشش دست می‌زدی!». حضرت در ادامه می‌فرماید: «پس از نزول وحی حضرت داود

بدین دلیل که تاکنون رفتارش مورد پسند خدا نبوده است، سخت افسرده و ناراحت گردید و چهل روز گریه کرد تا خداوند آهن را برایش نرم گردانید. از آن پس حضرت داود از آهن زره می‌بافت و دیگر از بیت المال ارتزاق نمی‌کرد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۷۴؛ صدوق قمی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۱۶۲؛ فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۳: ۵).

خداوند در قرآن کریم نیز داستان حضرت داود را بیان کرده است که: «وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَاللَّنَّا لَهُ الْحَدِيدَ- أَنْ اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ»: ما به داود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم؛ (ما به کوه‌ها و پرندگان گفتیم) ای کوه‌ها و ای پرندگان! با او هم آواز شوید و همراه او تسیح خدا گوید! و آهن را برای او نرم کردیم و به او گفتیم زره‌های کامل و فراخ بساز و حلقه‌ها را به اندازه و متناسب کن» (سبا/ ۱۰ و ۱۱).

۲- در بعضی از کتابهای روایی شیعه حدیثی از امام جعفر صادق(ع) و در بعضی دیگر از قول پیامبر اسلام(ص) نقل شده است که: «الْكَاذُ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۸۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۶۷؛ مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۹۳: ۳۲۴): کسی که برای امرار معاش زن و فرزند تلاش می‌کند، همانند مجاهد در راه خدا است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این روایت چنان مقامی برای کار و کارگر در نظر گرفته شده است که مقام آن کسی که در راه اداره خانواده خود زحمت می‌کشد، همانند مجاهد فی سبیل الله شمرده شده است.

۳- محمد بن منکدر نقل می‌کند که از مناطق اطراف مدینه عبور می‌کردم در حالی که هوا به شدت گرم بود؛ در این حال امام محمدباقر(ع) را دیدم که مشغول کار و زراعت بودند؛ با خود گفتم باید بروم و او را موعظه کنم که چرا باید یکی از بزرگان قریش در این هوای گرم و با این وضعیت برای دنیا خود را به زحمت طاقت‌فرسایی دچار کرده باشد. پس به محضر او رسیدم و سلام کردم و گفتم «چه می‌کنید! اگر در این حالت مرگ شما فرا رسد؟ حضرت در جواب فرمودند «اگر در این موقع مرگ من فرا رسد بسی شادمانم که من در اطاعت و عبادت خدا هستم که به وسیله کار و کوشش زندگی خود و خانواده‌ام را اداره می‌کنم و به تو و دیگر مردم نیازی ندارم» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۱۹؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۷۳؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ الف، ج ۶: ۳۲۵).

۴- علی بن عبدالعزیز نقل می‌کند که: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَا فَعَلَ عَمْرُ بْنُ مُسْلِمٍ؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَقْبَلَ عَلَى الْعِبَادَةِ وَتَرَكَ التَّجَارَةَ. فَقَالَ وَيْحَهُ! أَمَا عَلِمَ أَنْ تَارِكَ الطَّلَبِ لَيْسَتْ جَابِلَةٌ! إِنَّ

قَوْماً مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) لَمَّا نَزَلَتْ: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» أَغْلَقُوا الْأَبْوَابَ وَاقْبَلُوا عَلَى الْعِبَادَةِ وَقَالُوا: قَدْ كُنِينَا! فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ (ص) فَأَرْسَلَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ: مَا حَمَلَكُمْ عَلَى مَا صَنَعْتُمْ؟ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ تُكْفَلُ لَنَا بِأَرْزَاقِنَا فَأَقْبَلْنَا عَلَى الْعِبَادَةِ فَقَالَ: إِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَلِمَ يُسْتَجَبُ لَهُ عَلَيْهِمُ بِالطَّلَبِ: حضرت امام صادق (ع) از من سؤال کردند که محمد بن مسلم به چه کاری مشغول است. عرض کردم دست از تجارت برداشته و مشغول عبادت و تهجد شده است. امام با شنیدن این حرف (به خشم آمده) فرمودند «وای به حالش! آیا نمی‌داند که عبادت و دعای کسی که از کار و کوشش دست بکشد پذیرفته نمی‌شود و سپس حضرت اضافه نمودند گروهی از اصحاب پیغمبر (ص) پس از نزول آیه «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» درهای خانه‌هایشان را به روی خود بستند و به عبادت پرداختند؛ این جریان به اطلاع پیامبر رسید، حضرت برای آنان پیغام فرستاد که چه باعث شده است که این روش را پیشه خود کرده‌اید. در جواب گفتند بدین علت که خداوند کفالت رزق ما را کرده است. حضرت در پاسخ آنان فرمودند کسی که بدین طریق عبادت کند، عبادتش پذیرفته نمی‌شود؛ بر شما باد کوشش و

تلاش (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۸۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۲۷؛ صدوق قمی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۱۹۲).

۵ - امام باقر علیه السلام فرمودند: «مَنْ طَلَبَ [الرِّزْقَ فِي] الدُّنْيَا اسْتَعْفَافاً عَنِ النَّاسِ وَتَوْسِيعاً عَلَى أَهْلِهِ وَتَعْطُفاً عَلَى جَارِهِ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَوَجْهُهُ مِثْلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ»: کسی که در دنیا برای اینکه از مردم بی‌نیاز باشد و رفاه و آسایش خانواده‌اش را فراهم سازد و نسبت به همسایه‌اش لطف و احسان کند، طلب روزی نماید، روز قیامت در حالی خدا را ملاقات خواهد کرد که چهره‌اش مانند ماه شب چهارده درخشانده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۷۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۲۱؛ محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳: ۱۷).

۶ - جمیل بن صالح نقل می‌کند که «امام صادق (ع) را ملاقات نمودم در حالی که در زمینی کار می‌کردند و از شدت گرما پیوسته عرق می‌ریختند. عرض کردم فدایت شوم بیل را به من بدهید تا این کار را انجام دهم. حضرت فرمودند دوست دارم در طلب رزق و روزی، گرمای خورشید مرا آزار دهد و من اجر و پاداش ببرم» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۷۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۳۹).

به گونه‌ای که ملاحظه شد، پیشوایان دین با نیکوترین بیان، اهمیت کار و کوشش و مفاسد بیکاری و تن‌پروری را توضیح داده و روشن ساخته‌اند. علاوه بر این به گفتار تنها نیز اکتفا نکرده،

درس کار کردن را عملاً نیز به مردم آموزش داده‌اند. البته در زندگانی پیشوایان دین نظایر این گونه شواهد تاریخی زیاد دیده می‌شود که در کتابهای روایی امامیه مفصل ذکر شده است.

اهمیت کار و شأن کارگر از دیدگاه امام خمینی (ره)

آرای امام خمینی (ره) در این زمینه بیشتر در سخنرانیهای ایشان مطرح شده است. بنابراین باید به صحیفه ایشان که حاوی سخنان معظم‌له است، رجوع نمود. به طور کلی سخنان ایشان درباره کار و کارگر را می‌توان به گونه زیر تقسیم بندی کرد:

الف) سریان کار در همه موجودات عالم و کارگر بودن همه موجودات

۱ - «کار مثل جلوه حق تعالی می‌ماند که در تمام موجودات سرایت کرده است. همه موجودات، کار در آنها هست و با کار درست شده‌اند. همه ذرات وجود کارگرند؛ حتی ذرات اتمی که در این عالم طبیعت هست، اینها کارگر هستند با هوشیاری. همه ذرات عالم فعالند و هوشیارند؛ لکن ما گمان می‌کنیم که هوشیار نیستند: «وَ أَنْ مِنْ شَيْءٍ أَلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَقْفَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ»؛ همه مُسَبِّحِ حقند. همه کارگران حق هستند؛ همه مطیع حق تعالی» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۷: ۱۷۲).

۲ - «عالم موجود شده است از فعالیت خدا. اجزای عالم موجود شده است از فعالیتهایی که بعضی موجودات دارند. هیچ موجودی را شما نمی‌توانید سراغ کنید الا اینکه کارگر و کار در او موجود است و خودش کار است. کارگرها هم کارند؛ از کار پیدا شده‌اند... ذرات موجودات در عالم فعال هستند برای ایجاد همه موجوداتی که در این عالم است؛ حتی جمادات، حتی اشجار، همه زنده‌اند، همه کارگرند. کار احاطه دارد بر همه عوالم. از اول با کار عالم موجود شده است و کارگر مبدأ همه موجودات است» (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۱۷۱).

ب) نقش مهم کارگران در پیشرفت ملتها و جلوگیری از وابستگی

۱ - «کارگران از ارزشمندترین طبقه‌ها و سودمندترین گروه‌ها در جامعه هستند. چرخ عظیم جوامع بشری با دست توانای کارگران در حرکت و چرخش است. حیات یک ملت، مرهون کار و کارگر است» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۲: ۲۶۴).

۲ - «اگر کشوری رو به رشد برود با دست شما کارگران عزیز رو به رشد می‌رود و اگر

کشوری رو به انحطاط برود، باز هم با شماسست که رو به انحطاط می‌رود؛ با کار نکردن یا کم کار کردن یا علاقه به کار نداشتن است که رو به انحطاط می‌رود. کشور امروز از شماسست؛ از کارگران است؛ کشور مال شماسست» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۷: ۱۷۴).

۳- «امروز ارزش کار شما به همان اندازه است که دنیا پیشرفت کرده. امروز شما با کار خودتان می‌توانید که این وابستگی‌هایی که در طول تاریخ [بوده] از آن وقتی که شرق و غرب به اینجا راه پیدا کردند و در طول سلطنت منحوس پهلوی پیدا کرده این کشور [از بین ببرید] که می‌دانید همه چیزهایش وابسته شده است و همه افرادش را اینها وابسته کرده بودند و همه گروه‌ها را وابسته کرده بودند. امروز اگر شما کار بکنید و فعال در کار کردن باشید، ارزش [کار شما کارگران] این است که علاوه بر آن ارزشهای معنوی و مادی که برای شخص خود شما دارد، علاوه بر این، کشور را شما نجات می‌دهید از وابستگی» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۶: ۲۳۶).

ج) اشارات ایشان به دیدگاه اسلام درباره کارگر

۱- «رسول الله در آن محیط، دست کارگر را آن طور که نقل می‌کنند، کف دست کارگر و محل کار را بوسیده تا ارزش کار را در تاریخ عرضه کنند. ما مفتخریم و شما و همه مفتخرند به اینکه یک همچو نشانی پیغمبر اکرم (ص) به شما داده... یا در بعض روایات فرموده‌اند که قطره عرقی که از بدن کارگر می‌آید مثل قطره خونی است که از شهدای در راه خدا بیاید. چقدر این ارزش دارد» (امام خمینی، ۱۳۸۶، جلد ۱۶: ۲۳۶).

۲- «اسلام برای کارگر ارزش قائل است؛ برای کارگر و کار ارج قائل است و ارزش قائل است و احترام قائل است؛ یعنی همان طوری که یک شخص عالم، یک شخص مجاهد را توصیف می‌کند، شخص کارگر، زارع، هر کارگری را [توصیف می‌کند] می‌گوید همه‌شان مثل همنند؛ مثل شانهای که این رده‌هایی که دارد، همه هم‌قد هستند، مثل هم هستند - آن شانهای آن وقت این طور بودند - اینها همین طور همه برابر هستند. در قرآن کریم هم خداوند تصریح می‌کند که امتیازها به این مسائلی که سرمایه داشتن، قدرت داشتن - نمی‌دانم - و امثال اینها نیست، ارزشها و بزرگی‌ها به تقواست؛ به ارزش انسانی است» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۶: ۲۳۹).

گونه‌های حقوق کارگران از دید فقه امامیه

۱ - آزادی در انتخاب شغل

اصل آزادی انسان و رعایت اختیار و آزادی وی در انتخاب شغل، شیوه‌های تحمیل و اجبار و بیگاری را محکوم می‌کند. اسلام رضایت فرد را در روابط اقتصادی لازم می‌شمارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ»: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید؛ مگر اینکه تجارتي با رضایت شما انجام گیرد.

درست است که هر انسانی باید کار کند، انتخاب نوع کار بنا بر اصل آزادی انسان به رأی و اختیار او مربوط است. رسول خدا (ص) در نامه به عبدالله بن جحش تأکید کردند که کسی را با اکراه به کار وادار مکن (سبحانی ۱۳۶۳: ۳۸۸). در زمان خلافت علی علیه السلام، مردم یکی از مناطق اسلامی خدمت آن حضرت شرفیاب شدند و چنین عرضه داشتند در سرزمین ما نه‌ری است که گذشت زمان و حوادث روزگار آن را پر کرده و ما را از فوائد آن محروم نموده است. هرگاه دوباره آن نهر کنده شود در آبادی سرزمین و رونق زندگی ما تأثیر بسزائی خواهد داشت. آن گاه از حضرت تقاضا کردند که به حاکم خود، که در آن ناحیه فرمانروایی داشت، فرمان دهد تا از راه بیگاری گرفتن مردم و تحمیل به کار اجباری به حفر دوباره آن نهر خراب شده اقدام بنماید. امیر مؤمنان علیه السلام چون درخواست ایشان را شنید، کمی فکر کرد و سپس نسبت به تجدید حفر نهر ابراز علاقه نمود؛ ولی با موضوع بیگاری و کار اجباری با اینکه مورد علاقه درخواست‌کنندگان بود، موافقت نفرمود و نامه‌ای به این مضمون برای «قرطبه بن کعب» حاکم آن ناحیه نوشت: «گروهی از حوزه مأموریت تو نزد من آمدند و گفتند که ایشان را نه‌ری است که متروک شده و اگر آن را حفر و استخراج کنند، سرزمینهایشان آباد خواهد شد و به پرداخت تمام مالیات و خراجشان قدرت خواهند یافت و درآمد بیت المال مسلمانها از ناحیه ایشان فزونی خواهد گرفت. آنها از من درخواست کردند که نامه‌ای برای تو بنویسم تا آنان را به کار بگماری و به کندن نهر و تأمین هزینه آن مجبور سازی؛ لیکن «لست اری ان اجبر احدا علی عمل یکرهه»: من صحیح نمی‌دانم کسی را به کاری که دوست ندارد وادارم و به بیگاری و کار اجباری تحمیل نمایم (جوردان، ۱۴۲۶، ج ۱: ۲۰۸؛ محمودی، ۱۳۷۶، ج ۵: ۳۵۹).

در حدیث معروف نبوی: «رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعَةُ أَشْيَاءَ الْخَطَأُ وَالنَّسْيَانُ وَمَا أُكْرِهُوا عَلَيْهِ...» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۳۶۹؛ فیض کاشانی، بی تا، ج ۲: ۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۱: ۳۹۴) نیز هرگونه عملی که بر اکراه و اجبار مبتنی باشد، فاقد اثر حقوقی و قانونی دانسته شده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به طور صریح به حقوق و آزادیهای مربوط به کار توجه نشان داده است. در اصل ۲۸ این قانون تصریح شده است که: «هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید». در بند ۴ اصل ۴۳ همین قانون «رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری» از ملاکها و پایه‌های اقتصادی جمهوری اسلامی دانسته شده است.

در ماده ۶ قانون کار تصریح شده است که: «اجبار افراد به کار معین و بهره‌کشی از دیگری ممنوع و مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود و همه افراد اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و هر کس حق دارد شغلی را که به آن مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند».

با مطالعه آرای امام خمینی نیز درمی‌یابیم که ایشان نه تنها قائل به آزادی افراد در انتخاب شغل بوده و این امر را جزو بدیهیات تلقی می‌کرده‌اند؛ بلکه حتی فراتر از این، حقوق صنفی قشر کارگر را نیز به رسمیت شناخته و چنین بیان کرده‌اند: «کارگران محروم و متدین ایران... در جمهوری اسلامی به آنها حق داده می‌شود که به هر شکل ممکن به دور هم جمع شوند و مسائل و مشکلات خود را بررسی کنند و در نتیجه دولت را در جریان مسائل خود قرار دهند و نیز از حقوق صنفی خود دفاع کنند» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۱۳۹). پر واضح است کسی که برای کارگر چنین حقوقی قائل است به طریق اولویت وی را در انتخاب شغل نیز محق می‌داند.

۲ - دریافت مزد متناسب با کار

ماده ۳۵ قانون کار در تعریف مزد مقرر می‌دارد: «مزد عبارت است از وجوه نقدی یا غیرنقدی و یا مجموع آنها که در مقابل انجام کار به کارگر پرداخت می‌شود». از دیدگاه فقه اسلامی بر صاحب کار واجب است دستمزد عادلانه‌ای به کارگر پرداخت کند؛ اگرچه کارگر به دلیل

اضطرار و یا جهل به ارزش کار خود به دستمزدی کمتر از ارزش عادلانه کارش راضی باشد. این حکم مفاد آیه ۸۵ از سوره اعراف در قرآن مجید است که می‌گوید: «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» (اشیای مردم را از ارزش نیندازید)؛ یعنی ارزش هر آنچه را متعلق به انسان است و او می‌تواند آن را در معرض نقل و انتقال قرار دهد به خود او پردازد. این کلمه «اشیا» از عمومی‌ترین مفاهیمی است که شامل هر گونه کار (کارهای فکری و کارهای عضلانی) و هر آنچه می‌تواند مفید باشد می‌شود؛ هم‌چنین وجوب پرداخت ارزش عادلانه کار شامل همه موارد است؛ خواه کارگر به قیمت عادلانه کار خود آگاه باشد یا نه و نیز وجوب پرداخت قیمت عادلانه کار شامل آن مواردی است که کارگر برای کار با دستمزد مقرر، مجبور یا مضطر شود و یا مورد اکراه قرار بگیرد (علامه جعفری، ۱۴۱۹: ۲۰۳). بر این امر علاوه بر این آیه، می‌توان به حدیث «لا ضرر و لا ضرار» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۲۹۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۵: ۴۲۹) نیز استناد کرد که مبنای فقهی مسائل مهمی است. یکی از فقیهان معاصر در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه: «کارفرمایی شخصی را به کار گماشته است و از بی‌اطلاع بودن کارگر نسبت به ارزش و مقدار حقوقش استفاده کرده و حقوق و مزد کمتر از نصف حقوق کارکنان هم‌ردیف او داده است؛ آیا کارفرما نسبت به مزد واقعی این کارگر مدیون است؟» چنین فتوا داده است که: «در فرض مرقوم کارگر حق مطالبه اجرت‌المثل کار و عمل خود را دارد و کارفرما باید اجرت‌المثل به او بدهد؛ مگر اینکه در ابتدای کار با هم توافق کرده باشند که با توافق و معلوم شدن مغبون بودن، کارگر خیار غبن دارد و با فسخ باز به اجرت‌المثل برمی‌گردد» (بهجت، ۱۴۲۸، ج ۴: ۳۳۸). امام خمینی (ره) نیز در تحریرالوسیله در فرض مغبون شدن شخص، خیار غبن را برای وی ثابت دانسته است (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱: ۵۷۵). هم‌چنین ایشان درباره پرداخت حقوق عادلانه به کارگران چنین می‌نگارند: «کارفرمایانی را که حقوق کارگران را (به طور مناسب و کامل) نمی‌پردازند (باید) به تکالیف خود آشنا نمود تا خود را به رسیدگی مکلف بدانند و یا از صحنه خارج شوند... باید دستمزدها پس از رسیدگی به وضع کارخانجات افزایش یابد تا آنان از کمبودهای زندگی نجات یابند و مثل سایرین بتوانند در محیطی آزاد و مرفه زندگی کنند» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۳۸۰).

ماده ۳۸ قانون کار در زمینه تناسب کار با مزد چنین مقرر می‌دارد: «برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می‌گیرد باید به زن و مرد مزد مساوی پرداخت شود. تبعیض در تعیین میزان مزد براساس سن، جنس، نژاد و قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع

است.»

۳- وجوب تعیین حقوق کارگر قبل از شروع کار

روایاتی هست که بر وجوب تعیین میزان دستمزد کارگر قبل از به کارگیری وی دلالت می‌کند. از پیامبر اسلام (ص) روایت شده است که فرمودند: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَسْتَعْمِلُنَّ أَجِيرًا حَتَّى يُعْلَمَ مَا أَجْرُهُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۲۸۹؛ طوسی، ۱۴۰۷، الف، ج ۷: ۲۱۲): کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، کارگری را به کار نمی‌گیرد مگر اینکه (قبل از کار) مزد وی را تعیین کرده باشد. در روایت دیگری حضرت فرموده‌اند: «مَنْ اسْتَأْجَرَ أَجِيرًا فَلْيُعْلِمْهُ أَجْرَهُ» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴: ۲۹؛ بروجردی، ۱۴۲۹، ج ۲۴: ۷۴): هر کس کارگری را به کار بگیرد، باید میزان مزد وی را (قبل از کار) به او بگوید. از امام صادق (ع) نقل شده است که: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ يُسْتَعْمَلَ أَجِيرٌ حَتَّى يُعْلَمَ مَا أَجْرُتُهُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹: ۱۰۵؛ صدوق قمی، ۱۴۱۳، ج ۴: ۱۰): پیامبر اسلام (ص) از به کارگیری اشخاص قبل از معین شدن آنان نهی فرمودند. فقهای امامیه با توجه به احادیثی از این قبیل مشخص بودن مقدار و میزان اجرت را از شرایط صحّت اجاره دانسته‌اند (علامه حلی، بی تا، ج ۷: ۷۷؛ طوسی، ۱۴۰۷، ب، ج ۳: ۴۹۸؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۴: ۶۴؛ جزیری، ۱۴۱۹، ج ۳: ۱۴۲).

امام خمینی در تحریرالوسیله در ذیل شرایط صحّت اجاره چنین می‌نگارند: «و أما الأجره فتعتبر معلومتها و تعیین مقدارها..»: در اجرت معلوم بودن آن و تعیین مقدار آن لازم است (امام خمینی، بی تا، ج ۱: ۵۷۲).

ماده ۱۰ قانون کار در این زمینه چنین مقرر می‌دارد: «قرارداد کار علاوه بر مشخصات دقیق طرفین باید حاوی موارد ذیل باشد: الف: نوع کار یا حرفه یا وظیفه‌ای که کارگر باید به آن اشتغال یابد. ب: حقوق یا مزد مبنا و لواحق آن...».

در مورد تعیین میزان مزد یکی از فقیهان معاصر چنین فتوا داده است: «تعیین مقدار دستمزد امری است عرفی که شارع مقدس آن را امضا کرده است و برای تعیین آن به افراد خیره و متعهد در هر صنفی ارجاع می‌شود و قهراً خبرگان هر صنف باید در قیمت‌گذاری، جهاتی را مورد توجه قرار دهند: الف: عرضه و تقاضای طبیعی بدون دخالت دادن انحصارها و تبلیغات دروغ. ب: کمیت و کیفیت کار و شرایط زمانی و مکانی و نرخ تورم و جهات دیگر که واقعاً در ارزش کار مؤثرند. ج: عدل و احسانی که عقل و شرع به آن تأکید دارند...» (منتظری، بی تا، ج ۲: ۴۲۴).

بند دوم ماده ۴۱ قانون کار، که حداقل دستمزد کارگران را اندازه‌ای می‌داند که زندگی یک خانواده را تأمین کند، می‌تواند مؤیدی بر همین مطلب باشد.

۴ - حق استفاده از تعطیلات و مرخصی برای خودسازی معنوی و وظائف سیاسی - اجتماعی

اصالت رشد و تعالی انسان و اولویت ارتقای معنوی از دید اسلام ایجاب می‌کند که هر فرد در عین اشتغال کامل برای تأمین زندگی، وقت و فرصت کافی برای خودسازی معنوی و سایر وظائف سیاسی - اجتماعی نیز داشته باشد و با آموزش و تفقه و آگاهی بیشتر و کسب مهارت و ابتکار به منظور رسیدن به توان بیشتر کاری و افزایش سطح بازدهی شغلی خویش، علم و توانایی و سایر فضائل انسانی را به میزان بالاتر در خود احیا و به کمال رساند. قرآن فدا کردن رشد و تکامل معنوی و فضائل انسانی به بهای اشباع تمایلات مادی را ایثار دنیا بر آخرت و مبادله آن دو می‌نامد: «بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى». وقت و توان انسان متعلق به همه ابعاد نیازهای اوست. به کارگیری این توان محدود در مورد بخش خاصی از نیازها ظلم به خویش و تعدی به حق خداست. از مهمترین نیازهای انسان و خواسته‌های خدا، خودسازی و تخلق به اخلاق الله و تعلم و کسب توانایی بیشتر و ایجاد زمینه‌های مهارت و ابتکار و شرکت فعال در رفع نیازهای سیاسی و اجتماعی جامعه و مشارکت در رهبری کشور و حضور در صحنه‌های اجتماع و سنگرهای جهاد است. از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که «هر کسی که کارگری را به کار می‌گیرد اگر از حضور وی در نماز جمعه جلوگیری کند گناهکار است؛ ولی هرگاه به او اجازه شرکت در نماز دهد در ثوابش شریک خواهد بود» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹: ۱۰۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۲۸۹).

براساس آموزه‌های اسلامی در هیچ کاری افراط و تفریط پسندیده نیست. از حضرت علی (ع) روایت شده است که: «لَا يُرَى الْجَاهِلُ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا» (نهج البلاغه، حکمت ۶۷: ۴۱۶). هر فرد در زندگی خود علاوه بر کار به استراحت، خودسازی، فراگیری مسائل دینی و اجتماعی نیازمند است؛ از این رو طبق آموزه‌های اسلامی شایسته است اوقات زندگی هر کس مطابق نیازهای او، چون کار، استراحت، عبادت و تفریح تقسیم شود. امام خمینی در این باره می‌فرماید: «قرآن مشتمل بر همه چیز است... همان طوری که آدم همه چیز است: معنویت دارد، مادیت دارد، ظاهر دارد، باطن دارد، قرآن کریم هم که آمده است این انسان را بسازد؛ همه ابعاد انسان را می‌سازد؛ یعنی کلیه احتیاجاتی که انسان دارد... اسلام... همه چیزهای انسان را می‌سازد؛ هم انسان را از حیث عقل می‌سازد؛ هم انسان را از حیث اخلاق و تهذیب اخلاق می‌سازد؛ هم انسان را از حیث ظاهر و آداب

ظاهری می‌سازد؛ هم در همه اموری که انسان به آن احتیاج دارد، اسلام دخالت دارد؛ مثل حکومتها نیست که فقط در امور مثلاً اجتماعیشان، سیاسیشان، دخالت داشته باشند» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۴: ۴۵۰-۴۴۸).

۵- حق تأمین معاش در دوران از کار افتادگی (بازنشستگی)

کارگر در دوران ناتوانی از کار، مانند بیماری و پیری، حق تأمین معاش از سوی صاحب کار را دارد و اگر صاحب کار از تأمین معاش کارگر ناتوان باشد، دولت مکلف است بر این وظیفه قیام کند و در صورتی که صاحب کار به تأمین مقداری از معیشت کارگر توانایی داشته باشد در این صورت با همیاری دولت، معاش کارگر تأمین می‌گردد (علامه جعفری، ۱۴۱۹: ۲۰۴).

باید گفت اگرچه این حق در منابع و تألیفات فقهی سابقه چندانی ندارد و به نظر می‌رسد پس از تسلط ماشین بر همه شئون زندگی جوامع بشری، که مقتضی وضع و تدوین مقررات و حقوق بسیار ضروری برای کارگر است به وجود آمده است با مراجعه به کتابهای روایی به احادیثی برمی‌خوریم که به طور ضمنی دلالت بر این حق دارد؛ از جمله شیخ حرعاملی در وسائل الشیعه در بابی تحت عنوان: «بَابُ أَنْ نَفَقَةَ النَّصْرَانِيِّ إِذَا كَبِرَ وَعَجَزَ عَنِ الْكَسْبِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ» از حضرت علی (ع) چنین روایت می‌کند که: «مَرَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) بِشَيْخٍ مَكْفُوفٍ كَبِيرٍ يَسْأَلُ، فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) مَا هَذَا؟ قَالُوا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ نَصْرَانِيٌّ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) اسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّى إِذَا كَبِرَ وَعَجَزَ مَعْتُمُوهُ أَنْفَقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ»: امیرالمؤمنین (ع) بر پیرمرد از کار افتاده‌ای گذر می‌کردند. حضرت سؤال کردند و فرمودند: این کیست. جواب دادند یا امیرالمؤمنین، پیرمردی نصرانی است. حضرت فرمودند او را به کار گرفتید تا پیر و عاجز گشت؛ آن گاه او را رها نمودید! از بیت المال به او نفقه پردازید» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۶۶). شهید سید محمدباقر صدر با توجه به مدلول این حدیث چنین می‌نگارند: «بعضی از فقها مانند شیخ حرعاملی چنین فتوا داده‌اند که ضمان دولت مخصوص مسلمانان نیست و فرد ذمی که در سایه دولت اسلامی زندگی می‌کند، اگر پیر شود و از کسب و کار عاجز گردد، نفقه وی از بیت‌المال مسلمین تأمین خواهد شد» (صدر، ۱۴۱۷: ۶۶۹). با توجه به این روایت بخوبی مشخص می‌شود مکتبی که برای یک پیرمرد مسیحی چنین احترامی قائل است و تأمین هزینه وی را در دوران کارافتادگی بر عهده بیت‌المال مسلمین می‌نهد در برابر کارگرانی که برای گردش چرخه توسعه اقتصادی کشور اسلامی به کار و تلاش دست می‌زنند، پس از دوران بازنشستگی چه تمهیداتی می‌تواند قائل باشد.

از لحاظ حقوقی نیز در قانون تأمین اجتماعی و قانون کار برای بازنشستگی کارگران مقرراتی پیش‌بینی شده است. طبق ماده ۲۱ قانون کار: «قرارداد کار به یکی از طرق زیر خاتمه می‌یابد: الف: فوت کارگر. ب: بازنشستگی کارگر...». هم چنین طبق ماده ۳۱ همان قانون: «چنانچه خاتمه قرارداد کار به لحاظ از کارافتادگی کلی و یا بازنشستگی کارگر باشد، کارفرما باید بر اساس آخرین مزد کارگر به نسبت هر سال سابقه خدمت حقوقی به میزان ۳۰ روز مزد به وی پرداخت نماید. این وجه علاوه بر مستمری از کارافتادگی و یا بازنشستگی کارگر است که توسط سازمان تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود».

ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز در این زمینه مقرر می‌دارد: «هر انسانی... حق دارد که در مواقع... سالمندی و فقدان منابع تأمین معاش، تحت هر شرایطی که از حدود اختیار وی خارج است از تأمین اجتماعی بهره‌مند گردد».

۶ - امکان مشارکت کارگران در فعالیتهای تولیدی

در فقه اسلامی قراردادهایی هست که در آن حاصل کار بین کارگر و کارفرما به نحو مشاع تقسیم می‌گردد. قراردادهایی نظیر مضاربه، مساقات و مزارعه از این قبیل است. مضاربه قراردادی است که بین کارگر و صاحب مال بسته می‌شود و به این صورت است که عامل با سرمایه صاحب مال به داد و ستد می‌پردازد و در مقابل به نسبت درصدی در منافع با وی شریک می‌گردد (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۴: ۲۱۱؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲: ۴۰۷؛ نجفی، بی تا، ج ۲۶: ۳۳۶). امام خمینی (ره) در تعریف مضاربه چنین می‌نگارند: «هی عقد واقع بین شخصین علی آن یکون رأس المال فی التجاره من أحدهما و العمل من الآخر، و لو حصل ربح یکون بینهما»: مضاربه عقدی است که بین دو نفر واقع می‌شود بر این اساس که سرمایه تجارت از یکی از آنها و کار از دیگری باشد و اگر سودی پیدا شود بین هر دو باشد (امام خمینی، بی تا، ج ۱: ۶۰۸).

مساقات معامله‌ای است بین صاحب درخت با کارگر در مقابل حصه مشاع معین از ثمره درخت (امام خمینی، بی تا، ج ۱: ۶۴۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۱۲۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۵: ۳۷). مزارعه نیز عقدی است که به موجب آن شخصی زمینی را به کارگر می‌دهد که در آن زراعت کند و سود حاصل را به نسبتی میان خود تقسیم نمایند (امام خمینی، بی تا، ج ۱: ۶۳۵؛ نجفی، بی تا، ج ۲: ۲۷).

به نظر می‌رسد وجود چنین قراردادهایی در فقه اسلامی و دادن حق مشارکت به کارگران در

سود کاری که انجام می‌دهند، باعث می‌شود انگیزه آنان در کار مضاعف شود و از این رهگذر علاوه بر اینکه نفع بیشتری عاید این طبقه می‌شود، جامعه اسلامی نیز هرچه بیشتر به سوی ترقی و پیشرفت رهنمون گردد.

مسئولیت حکومت اسلامی در برابر کارگران

با در نظر گرفتن تأکید و تشویق اسلام در زمینه کار و تجلیلی که شرع انور از مقام کارگر به عمل آورده، حکومت اسلامی موظف است تمامی امکانات لازم را در اختیار این گروه تولیدگر قرار دهد. امام خمینی (ره) با لقب دادن «مدیران جامعه انسانیت» به کارگران (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۷: ۱۷۴) درباره رعایت حقوق آنها می‌فرماید: «و از امور مهمه‌ای که هست وضع کارگراست؛... آنها گمان نکنند که دولت یا ما در فکر آنها نیستیم؛ ... چنانچه راجع به مسکنشان مشغول طرح‌ریزی هستند که مسکن درست کنند. و قضیه حقوقشان ان‌شالله داده می‌شود؛ ... کارگرهایی که در کار هستند، اگر در مزدشان و اجریشان حرفی دارند، اصلاح خواهد شد. همه اینها بتدریج باید اصلاح بشود... دولت هم باید راجع به کارگرها بیشتر عنایت داشته باشد و وضع کارگرها را درست در نظر بگیرد. یک قدری عنایت بیشتر بکند که این کارگرها آسوده خاطر بشوند... از دولت می‌خواهم که در کارها یک قدری بیشتر جلو بروند و همین قدری که هست، یک قدری بیشتر جلو بروند و کارها را زودتر درست بکنند» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۳۹۷ و ۳۹۸). ایشان هم چنین درباره حقوق کارگران در حکومت اسلامی بیان می‌کنند: «در حکومت عدل اسلامی به بهترین وجه به آنان رسیدگی شده و حق آنان ادا می‌گردد» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۳۸۰).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱ - اسلام در ضمن قوانین و دستورالعملهایی که برای سعادت و برقراری تعادل همه‌جانبه در زندگی مردم آورده برای کار و کوشش نیز اهمیت فراوانی قائل شده است. در قرآن کریم، معجزه جاویدان پیامبر خاتم (ص) و سیره اهل بیت (علیهم السلام)، نمونه‌های بسیاری هست که با نیکوترین بیان، اهمیت کار و کوشش و مفاسد بیکاری و تن‌پروری بیان شده است.

۲ - امام خمینی(ره) به عنوان اسلام‌شناس و فقیهی حاذق، که رهبری جامعه اسلامی را نیز بر عهده داشتند با شناخت و معرفی ارزش کار در اسلام، حیات ملت را مرهون کار و کارگر دانسته‌اند. سخنان ایشان درباره شأن کار و کارگر را می‌توان در سه محور خلاصه کرد: الف) سریان کار در همه موجودات عالم و کارگر بودن همه موجودات. ب) نقش مهم کارگران در پیشرفت ملتها و جلوگیری از انحطاط و وابستگی. ج) اشارات ایشان به دیدگاه اسلام درباره کارگر. ۳ - از مطالعه منابع اسلامی در می‌یابیم که در اسلام حقوق فراوانی برای کارگران در نظر گرفته شده است. دین مترقی اسلام قرن‌ها پیش از به وجود آمدن مفهوم حقوق کار در غرب با شناخت ارزش و اهمیت این امر، حقوق کارگر را به رسمیت شناخته است. البته برخلاف دیدگاه مادی در غرب، که کارگر را فقط ابزار می‌داند، اسلام کارگر را مجاهد فی سبیل الله می‌داند و برای کار و تلاش او علاوه بر ارزش مادی، پاداش الهی نیز قائل است.

۴ - یکی از اولین حقوق کارگران، حق آزادی در انتخاب شغل است. اسلام رضایت فرد را در روابط اقتصادی لازم می‌داند و شیوه‌های تحمیل و اجبار و بیگاری را محکوم می‌کند. آیات و روایات بسیاری مؤید این امر است. از مطالعه آرای امام خمینی(ره) نیز استفاده می‌شود که ایشان نه تنها به آزادی افراد در انتخاب شغل قائل بوده، و این امر را جزو بدیهیات تلقی می‌کرده‌اند؛ بلکه حتی فراتر از این، ایشان حقوق صنفی قشر کارگر را نیز به رسمیت شناخته‌اند.

۵ - از دیگر حقوق کارگران، دریافت مزد متناسب با کار است. از دیدگاه فقه اسلامی بر صاحب کار واجب است دستمزد عادلانه‌ای به کارگر پرداخت کند؛ اگرچه کارگر به دلیل اضطرار و یا جهل به ارزش کار خود به دستمزدی کمتر از ارزش عادلانه کارش راضی باشد. امام خمینی(ره) نیز کارفرمایانی را که حقوق کارگران را به طور مناسب و کامل نمی‌پردازند به رسیدگی به حقوق کارگران ملزم می‌کند.

۶ - وجوب تعیین حقوق کارگر قبل از شروع کار، یکی دیگر از حقوق کارگران در مکتب اسلام است. روایاتی هست که بر وجوب تعیین میزان حقوق و دستمزد کارگر قبل از به کارگیری وی دلالت می‌کند. فقهای امامیه از جمله امام خمینی(ره) با توجه به همین روایات مشخص بودن مقدار و میزان اجرت را از شرایط صحت اجاره دانسته‌اند.

۷ - از دیگر حقوق کارگران در اسلام حق استفاده از تعطیلات و مرخصی برای خودسازی و وظائف سیاسی و اجتماعی است. براساس آموزه‌های اسلامی هر فرد در زندگی خود علاوه بر کار

به استراحت، خودسازی، فراگیری مسائل دینی و اجتماعی نیازمند است. امام خمینی (ره) نیز با تأکید بر اینکه اسلام برای همه جنبه‌های زندگی افراد برنامه‌ریزی دارد و همه ابعاد زندگی انسان را می‌سازد به طور ضمنی بر این حق اشاره می‌کنند.

۸- حق تأمین معاش در دوران از کار افتادگی یا همان بازنشستگی از دیگر حقوق کارگران در نظام اسلامی است. در مورد حق بازنشستگی باید گفت اگرچه این حق در منابع و تألیفات فقهی سابقه چندانی ندارد و به نظر می‌رسد در حقوق جدید و با توجه به اقتضات عصر جدید به وجود آمده است با مراجعه به کتابهای روایی شیعی به احادیثی برمی‌خوریم که به طور ضمنی دلالت بر این حق دارد و آن را برای افراد جامعه اسلامی به رسمیت می‌شناسد.

۹- یکی دیگر از حقوق کارگران در حکومت اسلامی امکان مشارکت کارگران در فعالیتهای تولیدی است. در فقه اسلامی قراردادهایی هست که در آن حاصل کار بین کارگر و کارفرما به نحو مشاع تقسیم می‌گردد. قراردادهایی نظیر مضاربه، مساقات و مزارعه از این قبیل است. فقهای امامیه از جمله امام خمینی (ره) در مورد این قراردادها و شروط آنها به طور گسترده در کتابهای فقهی خود سخن گفته‌اند.

۱۰- با در نظر گرفتن تأکید و تشویق اسلام در زمینه کار و تجلیلی که از مقام کارگر به عمل آورده، حکومت اسلامی موظف است تمامی امکانات لازم را در اختیار این گروه تولیدگر قرار دهد. حکومت اسلامی در برابر کارگران مسئولیت سنگینی بر عهده دارد. امام خمینی (ره) نیز با اشاره به مسئولیت دولت در برابر کارگران و تلاش برای بهبود وضعیت این طبقه ضعیف خاطر نشان می‌سازند که در حکومت عدل اسلامی به بهترین وجه به آنان رسیدگی، و حق آنان ادا می‌گردد.

منابع فارسی

- اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاقهای بین المللی: اسناد بنیادی حقوق بشر (۱۳۸۹). تهران: نشر فرزانه.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۸۶). صحیفه نور. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بهجت فومنی، محمد تقی (۱۴۲۸). استفتائات. قم: دفتر حضرت آیت الله بهجت.
- جعفری تبریزی، محمد تقی (۱۴۱۹). رسائل فقهی. تهران: مؤسسه منشورات کرامت.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۶۳). فروغ ابدیت. قم: نشر دانش اسلامی.
- عراقی، عزت الله (۱۳۸۷). حقوق کار. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

قانون تأمین اجتماعی (۱۳۸۲). تهران: مجتمع علمی و فرهنگی مسجد.
 قانون کار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳). تهران: موسسه کار و تأمین اجتماعی.
 مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
 منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی (بی‌تا). رساله استفتائات. قم: نشر اندیشه اسلام.

منابع عربی

قرآن کریم. با ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی.

نهج البلاغه.

ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 امام خمینی، روح الله (بی‌تا). تحرير الوسيله. قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
 بروجردی، آقا حسین طباطبائی (۱۴۲۹). جامع أحاديث الشيعه. تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
 جرداق، جورج (۱۴۲۶). الامام علی علیه السلام صوت العدالة الانسانيه. قم: مركز الطباعة و النشر للمجمع العالمی لاهل البيت (ع).
 جزیری، عبد الرحمن (۱۴۱۹). الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام. بيروت: دارالتقنين.
 حرّاملی، شیخ محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشيعه. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
 حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (بی‌تا). تذكرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
 حلی، نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
 شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰). الروضة البهیه فی شرح اللمعه دمشقیه (با محشی سید محمد کلانتر). قم: کتابفروشی داوری.
 شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
 صدر، سید محمد باقر (۱۴۱۷). اقتصادنا. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 طوسی، ابوجعفر شیخ محمد بن حسن (۱۴۰۷ الف). تهذیب الأحكام. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
 طوسی، ابوجعفر شیخ محمد بن حسن (۱۴۰۷ ب). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 فاضل لنکرانی، (آیت الله) محمد (۱۴۲۴). تفصیل الشریعه فی شرح تحرير الوسيله - الإجاره. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
 فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی (بی‌تا). مفاتیح الشرائع. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
 کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
 مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۰). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

محمودی، محمدباقر (۱۳۷۶). نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
نجفی، محمد حسن (بی تا). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

